



# پاره‌ها و نکته‌های میراث کتوبی

## غرائب المشهورات

جو یا جهانبخش

نکنم: «خطاط هم حیاتِ سعدی!» «هم حیات» طبعاً یعنی «هم‌روزگار»!!

بهرام افراسیابی در مقدمهٔ خویش بر این کتاب، از تفاوت‌ها و ناهمگونی‌ها که میان نسخِ گلستان دیده است یاد کرده و از این که همواره در آرزو و تکاپوی دسترسی به «نسخه‌ای اصیل» بوده سخن گفته و گفته است که در «بازدید و ارتباط با کتابخانه‌های معروف ایران، افغانستان، پاکستان، هندوستان، عراق، مصر، فرانسه، آلمان، اتریش، انگلستان و بسیاری از نقاط [دیگر] که امید یافتن گلستان اصل می‌رفت» از «نسخ اصل گلستان سعدی» سراغ گرفته و

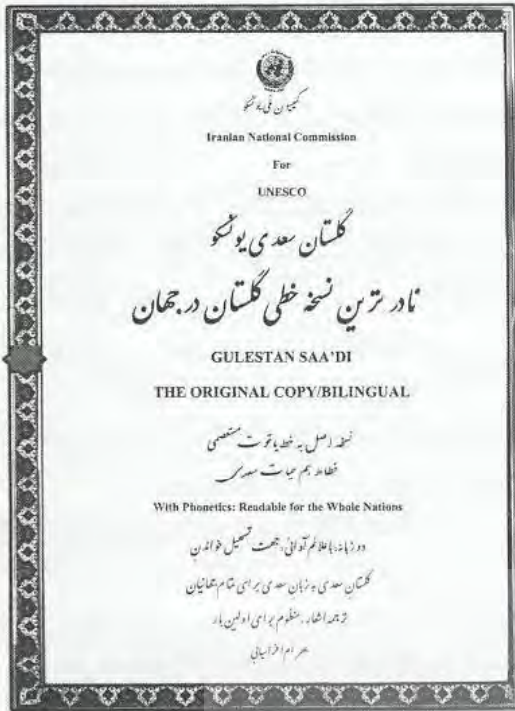
۱. دوستی خبر آورد که نسخه برگردان دستنوشتی از گلستانِ سعدی که به خطِ یاقوت مستعصمی، خوشنویس بلندآوازهٔ مسلمان، کتابت گردیده از سوی «کمیسون ملی یونسکو» انتشار یافته است. خبری بهجت‌انگیز بود و به تعبیر دوستان عربی زبان مرا در همان مجلس که بودم به «هتزاز» درآورد! با آن دوست گفتم که سالها پیش این نسخه را که در کتابخانهٔ سلطنتی (ی سابق) نگاهداری می‌شود بدری آتابای نسخه برگردان کرد و اینک نسخ آن چاپ بغایت نایاب و گران است. پس چه خوب کاری کرده‌اند که طبع آن کتاب را تجدید و دستیابی به آن را تسهیل کرده‌اند. یکی از رفقا بر فور نسخه‌ای از کتاب چاپ یونسکو را که به بهای قریب به پنجاه هزار تومان عرضه می‌شد خرید و به میان آورد.

با ملاحظهٔ این چاپ قدری متعجب شدم. صفحهٔ عنوان و مقدمهٔ کتاب به نستعلیق ناخوش کتابت گردیده است که به خطوط نستعلیق نویسان هند و پاکستان بیشتر می‌ماند، و چرائی اختیار آن بر نستعلیق چشم‌نواز ایرانی، نامعلوم است. باری بشتاب تصاویر متن دستنوشته را نگریم: چاپی کم کیفیت و ضعیف الحال دیدم که بی اختیار به ذهن می‌آورد ای بسا این تصویرها روگرقتی از همان نسخه برگردان بدری آتابای باشد.

اهتمام ورزندهٔ این چاپ، بهرام افراسیابی، حروفنگاری و نیز آوانگاشت متن گلستان را با ترجمهٔ انگلیسی گلستان، به کتاب ضمیمه ساخته است. باری، به تعبیر مسطور بر صفحهٔ عنوان، این «گلستان سعدی به زبان سعدی برای تمام جهانیان» عرضه گردیده!

در این صفحهٔ عنوان و نیز روی جلد، تعبیر نغزی هم در معرفی «یاقوت مستعصمی» به کار رفته که در غم می‌آید یاد





به نتیجه‌ای نرسیده تا «به گونه‌ای اتفافی» به «نسخه‌ای کم نظیر و نایاب مربوط به سده هفتم» - که همین نسخه چاپ عکسی شده باشد. دست یافته.

ایشان نوشته‌اند: «هیجان و شوق رسیدن بدین وصال ناگفتنی است و نیز به دلایلی چند ذکر محل و صاحب منبع ناگفتنی‌تر! در مورد این نسخه همین قدر می‌توانم توضیح بدهم که این نسخه اصل به خط یاقوت مستعصمی خطاط هم عصر سعدی است».

بهرام افراسیابی توضیحات دیگری نیز درباره این نسخه اسرارآمیز و اهمیت آن و همچنین «ماهها و ماهها» که «شب‌های دراز... تا سحرگاه» اوقات او و یکی از دوستانش مصروف پژوهش در واژه واژه گلستان [طبعاً بر اساس همین نسخه که «محل» و «منبع» آن خیلی خیلی «ناگفتنی» است!!! گردیده. به قلم آورده است. هر که می‌خواهد از مقدمه ایشان و سایر مزایای این چاپ بهره‌مند گردد، رجوع فرماید به:

گلستان سعدی دو زبانه - با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران - همراه با اصل کتاب به خط یاقوت مستعصمی، تدوین و ترجمه: بهرام افراسیابی، ج: ۱، تهران: مهرام، زمستان ۸۵.

مراجعان از همان سطر اول متن که با حرکت گذاریهای نادرست آقای افراسیابی مواجه شوند، خواهند دانست میزان آگاهی حضرت ایشان از زبان و بیان گلستان چه اندازه است! این که ایشان برخی حروف مشدد چون زای «عز و جل» را هم زبر می‌دهند و هم سکون!! (نگر: ص ۱۲) یا «مفرح ذات» را «مفرح ذات» به زبر راء می‌خوانند! (نگر: همان ص) و این که حتی در قرائت و نقل نسخه امانت نورزیده، علاوه بر حرکت گذاریهای نادرست و ناموزون، برخی عناوین چون «بیت» یا «حکایت» را اسقاط می‌فرمایند، چیزی نیست که حتی در یک تصفح ساده هم از نظر نهان بماند. با اینهمه، ایشان با سخاوت حتی واژه‌نامه نویسی هم می‌کنند و در واژه‌نامه پایان کتاب مثلاً (ص ۵۲۱) توضیح می‌دهند که «موجب = سبب» [کذا!!] و همچنین (ص ۵۲۲) معنای «جسیم» [کذا به سکون سین!!!] را «خوبرو» می‌نویسند. این واژه نامه فوق‌العاده خواندنی است: «مستفید = بهره‌مند» [کذا / ص ۵۶۴]. «طیبت آمیز = آمیخته با شوخی» [کذا / ص ۵۶۴]. «جیران = جار = همسایگان» [کذا / ص ۵۵۹] و...

خواندنی‌تر از این واژه نامه، ترقیمه نسخه است به بازخوانی طابع محترم: <sup>۱</sup>

«کتبه البعد الفقیر الی الله الغنی یا قوت المستعصمی...»

ستنه ثمان و ستین و ستمسه... مصلیاً علی نیه محمد و آله مسلماً کثیراً» [کذا!!] (ص ۵۰۳).

و علی الظاهر آن «البعد»، «العبد» است، و آن «الغنی»، «الغنی»، و آن «یا قوت»، «یا قوت»، و آن «ستنه»، «سنه»، و آن «ستسمسه»، «ستسمه (ستمائمه)» و «نیه»، «نبیه»!!! همین! اگر از شیوه غریب بهرام افراسیابی در قرائت و ضبط نص گلستان بتوان صرف نظر کرد، از این صرف نظر نمی‌توان کرد که چرا ایشان «محل» و «منبع» این نسخه را بشدت «ناگفتنی» می‌داند! مگر نسخه گلستان به خط یاقوت چیز نادیده و ناشناخته‌ای است که ایشان اینک، در مقام «کاشف» آن، چنین عرض اندام می‌کند؟! <sup>۲</sup>

مگر این نه همان نسخه‌ای است که به سال ۱۳۴۶ ه.ش. در تهران به همت بدری آتابای منتشر شد؟<sup>۲</sup> و باز مگر این نه همان نسخه‌ای است که مرحوم دکتر یوسفی در تصحیح گلستان به عنوان نسخه بدل به کاربرد و (همانجا، ص ۲۰) نوشت: «این نسخه افتادگیها و نقائص و اغلاط فراوان دارد»؟ و مگر این...؟

باری ای کاش نشر این نسخه و پژوهش آن به یکی دو تن که لااقل بتوانند درست از روی گلستان بخوانند و انهداده می‌شد تا آنها از مزایا و فوائد متفرق در این دست‌نوشته سخن بگویند و بهرام افراسیابی اینگونه اسباب زحمت خود و دیگران را فراهم نمی‌آورد! خصوصاً که بر پشت جلد کتاب بهای آن را در خارج از کشور «۳۰۰» دلار اعلام کرده‌اند! غرائب این گلستان سعدی دو زبانه هنوز باقی است، ولی



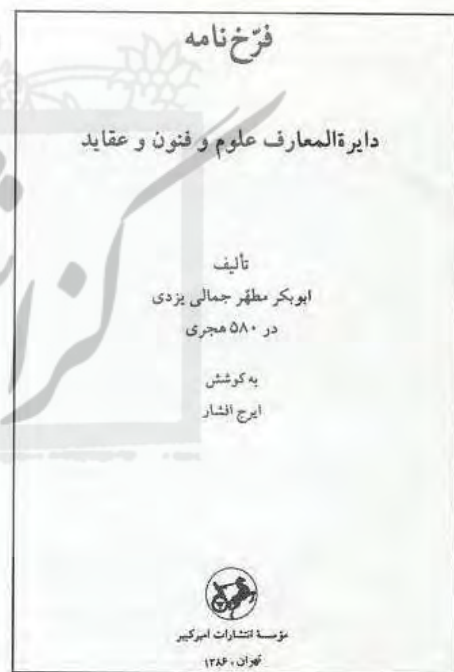
طلاقت و رغبتی برای گزارش احوال آن در خود نمی بینم. نمی دانم کمیسیون ملی یونسکو با این چاپ چه خواهد کرد و آبروی خویش را چگونه تدارک خواهد نمود. برای خود افسوس می خورم که امکان تملک نسخه برگردانی مقبول از گلستان خط یاقوت<sup>۳</sup> را از دست دادم و باید به انتظار بنشینم که یا نسخه‌ای از چاپ آتابای به دستم افتد و یا مسئولان فعلی کتابخانه سلطنتی سابق به تجدید نسخه برگردان دستنوشتی که در اختیار دارند همت گمارند.

۲. اخیراً فرخ نامه (نوشته ابوبکر مطهر جمالی یزدی - در ۵۸۰ هـ ق.) به تصحیح استاد ایرج افشار تجدید طبع شد با ویرایش جدید (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ هـ ش.) انتشارات امیرکبیر کتابی کهن از موارث کرامند زبان پارسی را که بس نایاب بود به دست مشتاقان آن رسانیده، که بس مستحق تحسین و ترحیب است؛ لیک در «یادداشت ناشر» عبارتی به چشم می خورد که جای «چه و چون و چند» بسیار دارد.

۳. پژوهشگاه علوم انسانی در تهران به سال ۱۳۸۵ هـ ش. کتابی منتشر کرده است به نام بحر الأنساب الكبير فی أنساب العلویین. نویسنده کتاب را «السید منصور الباز الأشهب» معرفی کرده‌اند و او را پسر امام کاظم. علیه السلام دانسته‌اند و گفته‌اند که در اواخر سده دوم هجری در گذشته (ص ۹).

کتاب فوق العاده مهمی است! کتابی در حدود پانصد صفحه، از سده دوم هجری. آنهم از فرزند امام هفتم شیعیان! این گنجینه تاکنون کجا بوده؟ نسخه‌اش را چه کسی کشف کرده؟ چرا کشف آن و نشر آن تا الان جهان اسلام شناسی را تکان نداده؟

علت روشن است. کتاب، مجعول است و انتساب، دروغین! تنها نسخه کشف شده از این سند دروغین، نسخه‌ای است از سده «چهاردهم» هجری (نگر: ص ۱۰) که عکس آن را از مصر آورده‌اند و تنها اطلاعی هم که از این «منصور باز اشهب» و کتابش یافته‌اند، مبتنی بر همین نسخه است و بس! یعنی دور باطل!



محرّر «یادداشت ناشر»، فرخ نامه را «نمونه‌ای بارز از نثر دوران فارسی میانه بعد از اسلام» قلم داده است! «فارسی میانه». چنان که اهل نظر جملگی می دانند. نام ویژه زبانی است که بتسامح پهلوی نیز خوانده می شود و در روزگار پارتیان و ساسانیان روائی بسیار داشته؛ اما فرخ نامه‌ی جمالی و «فارسی میانه»؟! جل الخالق!  
 علی الظاهر، مراد، «زبان فارسی (فارسی نو/فارسی دری)» در سده‌های میانه اسلامی بوده است، ولی....!!

یگانه کسی هم که از این کتاب و مؤلف، شناختی به دست داده بوده (نگر: ص ۱۹ و ۲۰)، بروکلیمان است، آن هم بنا بر همین نسخه!  
 صورت مسأله را ساده کنیم: نسخه‌ای تقریباً معاصر یافته شده است که به عنوان اثری از سده دوم هجری عرضه گردیده و یک «نویسنده» و یک «کتاب» بر تراث آن عصر افزوده؛ آن هم نویسنده‌ای بدان پایه از اهمیّت که فرزند امام هفتم - علیه السلام - قلمداد شود!!

علامه مجتبی مینوی بر مَسند ریاست و زعامت آنها نشسته بودند. «نام نیک رفتگان ضایع مکن!»

#### پی‌نوشت:

۱. ترقیمه این نسخه، نه در این چاپ عکسی، و نه در چاپ آتابای (نگر: گلستان چاپ یوسفی، ص ۲۰). منعکس نشده و این از حیث نسخه‌شناسی عیب بزرگی است. استاد عارف نوشاهی مناسب این حال، این بیت نظیر نیشابوری را یاد آورد شدند که:

به غیر دل، همه نقش و نگار بی معناست

همین ورق که سیه گشت، مدعا اینجاست!

۲. اگر مانند مخلص نسخه برگردان بدری آتابای را کنار دست ندارید، مثلاً به صفحه ۲۳۱ از رفتارشناسی زبان رحیم ذوالنور (چ: ۱، تهران: زوار) که نمونه‌ای از آن نسخه برگردان را آورده توجه فرمائید و با ص ۱۹۷ از چاپ بهرام افراسیابی نظر کنید تا مطمئن شوید نسخه اسرارآمیز بهرام افراسیابی و کمسیون ملی یونسکو چیزی جز همان نسخه مشهور و معروف کتابخانه سلطنتی نیست!

۳. در انتساب کتابت نسخه به یاقوت جای مناقشه هست ولی مُسَلَّم آنست که اصل نسخه کهنه و زیباست؛ خط هر که باشد گو باش! بجاست یاد کنم. انسان که استاد عارف نوشاهی یادآوری فرمودند. جهانگیر نسخه‌ای از گلستان را که به خط یاقوت بوده به یکی از پیران صوفیه پیشکش کرده و گزارش آن در جهانگیرنامه آمده است.

آیا آن دست‌نویست همین بوده؟ آیا دست‌نویستی دیگر. لااقل: منسوب. به قلم یاقوت در اختیار جهانگیر قرار داشته است؟ نمی‌دانیم.

عجیبست که ظاهراً نه مصحح کتاب و نه مسؤولان علمی پژوهشگاه این پرسش را بجد نگرفته‌اند که: چرا در فهرس و تراجم‌نامه‌ها از چنین نویسنده و کتاب مهمی هیچ ذکری نشده است و چرا ما چنین پسری از برای امام کاظم - علیه السلام - نمی‌شناخته‌ایم؟!

ظاهراً در محتوای کتاب نیز امعان نظر فرموده‌اند که احوال سادات چندین نسل پس از امام کاظم - علیه السلام - در آن گزارش شده است. پس چگونه نوشته فرزند آن حضرت می‌تواند بود؟!

باز گویا توجه فرموده‌اند که در متن این کتاب در احوال خود «منصور باز آشهب» سخنها می‌رود و مؤلف بتفصیل از احوال و حتی مرگ او (نگر: ص ۶۲) دم زده. پس چگونه می‌تواند «منصور باز آشهب»، همو که ادعا شده امام زاده بلاواسطه است، مؤلف کتاب باشد؟!

این کتاب آشفته متأخر، ای بسا حتی ارزش چاپ نداشته بوده باشد، چه رسد که از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و به عنوان اثری از سده دوم هجری عرضه گردد.

ای کاش «پژوهشگاه علوم انسانی» فرا یاد آورد میراث مؤسساتی به او رسیده است که مردانی چون دکتر سید حسین نصر، دام علاه، و شادروانان دکتر پرویز نائل خانلری و

# گزارش میراث

گزارش میراث از درج اخبار کارها و متونی که محققان محترم در دست تحقیق و تصحیح دارند، برای اطلاع رسانی بیشتر و جلوگیری از دوباره کاری استقبال می‌کند.

چه بسا کاری که هم‌اکنون شما در دست دارید، دیگری در اندیشه به دست گرفتن آن است.

